



## تجلیل مجیدی از پیرمرد دلتنگ

۱۱



## به تهمت‌ها علیه خود اعتنا نمی‌کرد

۱۲



## دیدار با حقیقت بر سر نیزه

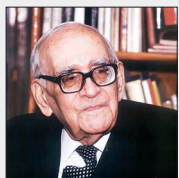
بعد از ۲۶ سال، مرور فیلم روز واقعه، ما را به نکته‌های جالبی می‌رساند

# فرهنگ

چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۴۵



آیا تاسیس دانشگاه تهران  
کار دکتر حسابی است؟



۱۲ شهریور سالروز درگذشت  
دکتر محمود حسابی است

اصل ماجرا از خاطره‌ای از دکتر خزعلی نشأت می‌گیرد: «یادش به خیر، ملاقاتی داشتم با پروفسور حسابی. او می‌گفت: «وقتی خواستم دانشگاه تهران را تاسیس کنم با وساطت یکی از دوستان وقت ملاقاتی از وزیر معارف وقت گرفتم. پس از توضیح طرح، وزیر معارف از من پرسید: «دانشگاه بسازید که چه بشود؟» و من عرض کردم: «به جای آن‌که جوانان ما برای تحصیل به فرنگ روند در مملکت خودمان دکتر و مهندس تربیت کنیم.» و او پاسخ داد: «تربیت دکتر و مهندس برای ما صد سال زود است و باید فرنگی‌ها برای ما این کار را بکنند.»

ادامه در صفحه ۱۰



گزارش جام جم از گلیایه‌های هنرمندان از وضعیت آشفته معیشت تئاتری‌ها در روزگاری که کسی به فکر آنها نیست

## نشستن به خاک سیاه صحنه!

وضعیت معیشتی هنرمندان تئاتر به علت ویروس کرونا در بدترین شرایط ممکن است

۱۰

### کوهستان‌های افراشته در خانه

فردا، سالروز شهادت  
رئیسعلی دلواری و روز مبارزه  
با استعمار انگلیس است

سال ۱۲۶۴ وقتی در خلال جنگ جهانی اول، آلمان و انگلیس بر سر ایران رقابت می‌کردند، رئیسعلی دلواری در تنگستان به دنیا آمد. انگلیس به بهانه این‌که جاسوسی آلمانی در جنوب ایران و در میان قشاقی‌ها پناه گرفته است، تقاضای دستگیری و تحویل او را داشت و البته دولت ایران زیربار نرفت. انگلیس هم به این بهانه بوشهر را اشغال کرد. قیام بزرگی شهرهای جنوبی ایران به‌ویژه بوشهر را فراگرفت. علما دستور مقاومت و مبارزه با انگلیسی‌ها را دادند. رئیسعلی دلواری حالا جوانی ۳۰ ساله و فرزند کدخدای روستای دلوار بود. او رهبری قیام را به عهده گرفت و ضربات زیادی به انگلیسی‌ها وارد کرد.

ادامه در صفحه ۱۱

رهبری از ۲ شاعر که شعرخوانی‌شان در برنامه «رندان تشنه لب» پخش شد، تشکر و قدردانی کردند

## جانم چه نوحه و چه عزا و چه ماتمی \*



زینب مرتضایی‌فرد  
دبیر فرهنگ و هنر

ساعت ۳ بعد از ظهر گذشته بوده که تلفن‌هایشان زنگ می‌خورد و لیخند می‌نشانند روی لب‌هایشان، سعید بیابانکی و امید مهدی‌نژاد، دو شاعر و طنزپرداز کشورمان خودشان در صفحه‌های مجازی‌شان این‌طور اعلام کرده‌اند و به مخاطبان خبر داده‌اند تماس‌ها از دفتر مقام معظم رهبری بوده‌است و گفته‌اند شعرهای عاشورایی‌شان که روز تاسوعا از شبکه چهار پخش شده، مورد توجه رهبری قرار گرفته‌است، بعد هم سپرده‌اند از طرف ایشان با این دو شاعر تماس گرفته و از شعرهای خوبشان تشکر شود.

اما ماجرای هر ساله رندان تشنه لب چیست؟ مرداد سال ۱۳۸۰ بود که زنده‌یاد ابوالفضل زرویی، نخستین مدیر دفتر طنز حوزه هنری شب شعر در حلقه رندان را آغاز کرد. شاعران یکشنبه آخر هر ماه در تالار اندیشه حوزه هنری دور هم جمع می‌شدند و شعر می‌خواندند، ماه محرم هم به احترام امام حسین (ع) این شب شعر تعطیل و یک ماه بی‌رندان

### همه بهترین‌ها برای حسین (ع)

می‌گویند کنگره را زنده‌یاد اصغر حیدری (خاسته) راه‌انداخت و در تربیت و شکل‌گیری نسل تازه شاعران عاشورایی تأثیر مهمی گذاشته‌است. او می‌گوید: آمن محرم برای شاعر الهام‌بخش است، من هرگز تصمیم نگرفتم‌ام برای عاشورا شعری بگویم اما سالی لااقل دو غزل عاشورایی دارم. گاهی پیش می‌آید که یک مضمون عاشورایی ده سال با شعر زندگی می‌کند و بعد ناگهان در ایام محرم یا روز عاشورا متولد می‌شود.

بیابانکی در پایان سخنانش تأکید می‌کند: ماه محرم و امام حسین (ع) همیشه با ما می‌ماند، همان‌طور که قرن‌هاست فارغ از این‌که چه حکومتی بر سر کار است، مردم همیشه ماه محرم و صفر را به یاد امام حسین (ع) گذرانده‌اند و هر کدام به اندازه وسع خود در آداب این ماه‌ها سهیم بوده‌اند، اما پادمان باشد برای سیدالشهدا باید بهترین‌ها را سرود، خلق کرد و انجام داد. چون خودش بهترین چیزهایی را که داشت به درگاه خدا برد. باید همیشه تلاش کرد هر چه برای امام حسین (ع) است، درجه یک باشد. درست مثل خودم. امیدوارم من با شاگردی آستانش یاد گرفته باشم بهترین‌ها را برای



او ادامه می‌دهد: اولین بار سروده‌های عمان سامانی را در تعزیه شنیدم و بسیار بر من تأثیر گذاشت. همیشه حس می‌کردم این کلمه‌ها متفاوتند و حس خاصی دارند و وقتی درباره‌ی علاقه هنرمندان اصفهانی به عمان سامانی می‌پرسم، به آلبوم موفق «وداع» به خوانندگی حسام‌الدین سراج هم اشاره می‌کند و این‌طور توضیح می‌دهد: عمان اهل چهارمحال و بختیاری است که به استان اصفهان نزدیک است، ضمن این‌که صد و اندی سال قبل محتشم کاشانی ترکیب‌بند عاشورایی‌اش را در عصر صفویه سروده و پس از آن اثر قابل توجه چندانی نداریم تا می‌رسیم به گنجینه الاسرار عمان سامانی که مرثیه‌هایش فضایی عرفانی دارد و بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. این دو نکته طبعاً در توجهی که به آن اشاره کردید، نقش دارد.

شاعر مجموعه‌های عاشورایی «نامه‌های کوفی» و «جامه‌دران» به کنگره شعر آفتاب که هر سال محرم در خمینی‌شهر برگزار می‌شد، هم اشاره می‌کند و خود را مدیون این رویداد می‌داند؛ او

### شعرهایم تغزل ندارند



دیگری هم از مهدی‌نژاد در شعر غیرطنز منتشر شد که آخرین‌شان «ملاحظات» بود. حالا بعد از اندی يك شعر غیرطنز مهدی‌نژاد مورد استقبال رهبر معظم انقلاب قرار گرفته و آن هم يك شعر عاشورایی‌اشعری که مثل بقیه غزل‌های محکم مهدی‌نژاد زبانی سخته و باصلايت دارد و همان رویکرد عدالتخواهانه که شعر مهدی‌نژاد را در حوزه شعر اعتراض دسته‌بندی می‌کند، نیز کماکان در آن به چشم می‌خورد. این اتفاق شاید يك بار دیگر به شاعر گوشزد کند که مخاطبان شعر او، کماکان به وجهه‌ای که در شعر کلاسیک جدی از مهدی‌نژاد دیده‌اند اقبال نشان می‌دهند و به‌رغم این‌که خود مهدی‌نژاد می‌گوید که وجهه طنزپرداز خود بیشتر روی خوش نشان دهد، اما زبان و نگاه او در شعر جدی کماکان پرتعداد و دوست‌داشتنی است.

در ادامه غزلی که مهدی‌نژاد در «رندان تشنه لب» خواند و با اقبال رهبر معظم انقلاب روبه‌رو شد را می‌خوانید:

ای گیاه برآمده، ابوری، بی‌بری هنوز ای درخت خزان‌زده، از گیاهان سری هنوز ای سحاب، ای همه حجاب، همچنان سایه‌پروزی ای به‌خون‌شسته آفتاب، روشنی‌گستری هنوز ای دل، ای توده هوس، کی می‌آیی به راه پس صبح شد، ظهر شد، ولی بسته بستی هنوز بعد عمری رفو شدن، نوشدن، زیر و رو شدن در همان کاری‌ای فلک، سفله می‌پروزی هنوز... دشنه‌ای در غلاف خون، بیرقی سبز سرنگون می‌درخشد در آفتاب تیغه خنجرى هنوز لاله‌ها سبز می‌کنند خون گرم حسین را آتشی سرخ روشن است زیر خاکستری هنوز

امید مهدی‌نژاد را در سال‌های اخیر بیشتر به طنز می‌شناسند. حضور پررنگش در رسانه‌ها و جراید و انتشار مجله خودش؛ سه‌نقطه باعث شد که مهدی‌نژاد با طنز به مخاطب امروز شناسانده شود. این حضور با طنز در دو حوزه نظم و نثر معنا می‌شود و عده‌ای طرفداران طنز نوشته‌های مهدی‌نژاد در روزنامه‌ها از جمله همین جام جم خودمان هستند و عده‌ای اشعار طنزی که در شب شعرهای مختلف از جمله «در حلقه رندان» می‌خواند را می‌پسندند. حالا همین در حلقه رندان واسطه فیض می‌شود و سالی يك بار جلسه‌ای در حال و هوای محرم برای شعرخوانی عاشورایی شاعران طنزنویس برگزار می‌کند. چندسال پیش در جایی ناصر فیض می‌گفت: «با این جلسه می‌خواهیم بگوئیم شاعران طنزپرداز گریه کردن در سوگ اهل بیت (ع) رانیز به‌خوبی بلدند.»

حضور پررنگ مهدی‌نژاد در طنز باعث شد تا حدودی از آن امید مهدی‌نژاد شاعر فاصله بگیرد. شاعری که شعرهایی با زبان سخنه و محکم می‌سرود و در اولین کتاب شعر جدی‌اش؛ «رجزمویه»، شعرى داشت که در آن می‌گفت: «حرفی از زلف و کاکل ندارند / شعرهایم تغزل ندارند!» آن موقع‌ها ظهور شاعر جوانی که شعرهایش تغزل ندارند در فضای شعر امروز که تمام همت شاعران صرف صحبت از زلف و کاکل بود، اتفاق ویژه‌ای محسوب می‌شد. شعرهایی که در «رجزمویه» چاپ شد، به جای فضای تغزلی و وصف معشوق زمینی والی آخر، پر بود از تیر و تفنگ و شمشیر و سپر و ماجرای پیکار. بعد‌ها کتاب‌های

\* تیتتر مطلب برگرفته از مصرعی از یک غزل عاشورایی سعید بیابانکی است